

* کربلا؛ فقط پیاده *

اولین سفر زیارتی‌اش به کربلای معلایا هوایم و به همراه خانواده بوده، اما چند سالی که از اولین سفرش می‌گذرد، تصمیم می‌گیرد در ایام اربعین حسینی به سفر برود و بعد از آن تصمیم می‌گیرد دیگر نه با هوایم و نه با اتوبوس، بلکه پیاده به کربلا برود. به قول خودش سفر هوایی را حتی بیشتری تا سفر پیاده دارد. او دوست دارد سختی سفر را بیشتر حس کند، می‌گوید: هفت سفر در اربعین به کربلا رفته‌ام و هر بار حس و حال تازه‌ای را تجربه کرده‌ام. بزرگان می‌فرمایند، سز عشق در دفتر نباشد. اگر قرار باشد کلمه‌ای را انتخاب کنم، عشق است که در این سفر همیشه همراهم است. کسانی که آرزوی رفتن به کربلا را در اربعین حسینی دارند باید بدانند، خواستن، توانستن است. بقیه‌اش عشق است. ما یازده ماه در خدمت خانواده هستیم، بگذار اربعینی را وقف علی بن الحسین^(ع) باشیم. اینکه من وقت ندارم، هوا گرم است، این‌ها دلایل موجهی نیست. از سال پیش بسیار فرسوده‌تر شده‌ام، فقط وصال عشق مرا می‌کشاند. امسال یک جوری می‌خواهم بروم که انگار سال بعد نیستیم. از حالا برای ۲۵ مرداد در حال برنامه‌ریزی هستیم. با کلی مشکلات تصمیم به رفتن دارم. در موبک‌های شلوغ و سختی راه، رشد است. در خانه‌هایمان که خبری نیست، در آسایش بی‌خبری است!

* سکوت؛ همسفر من *

۳۷ خواهرزاده و ۶۲ نوه و ۱۶ نبیره خواهری دارد که در سفرهایش به نیابت از همه آن‌ها زیارت می‌کند. هدفش از این سفر مواسات با اسرای کربلاست. دوست دارد در این سفر معنوی در حال ذکر گفتن باشد و بیشتر سکوت کند و رفتار انسانی داشته باشد. آرزویش داشتن خانه‌ای بزرگ و پول زیاد نیست، بلکه نظرش این است که این‌ها همه به این دنیا می‌ماند. دوست دارد زندگی‌اش در مسیر امام حسین^(ع) باشد. حال معنوی‌اش را دوست دارد با همه تقسیم کند و می‌گوید: هیچ لقمه معنوی را دوست ندارم تنها خورم و دوست دارم آن را در اختیار دیگران هم بگذارم. در زیارت‌هایم به یاد همه هستم. در هر جایی گفته‌ام پروردگارا در مسیر تو قدم برمی‌دارم، تو خودت یاری‌رسانی کن. برای کارهایم برنامه‌ریزی می‌کنم، اما بقیه‌اش را به خدایم سپارم. همیشه از خدا معنویت می‌خواهم تا چشم دلم باز شود.

بچه‌ها را دور هم جمع می‌کردیم و برایشان قصه می‌گفتم. قبل از نمازها مهرها را با کوثر می‌چیدیم و بعد از آن جمع می‌کردیم. مادرهایی که می‌خواستند نماز بخوانند بچه‌های کوچکشان را نگه می‌داشتیم

روایت مادر و دختری که فقط در اربعین به کربلا می‌روند

اربعین مادر دختری

● **ریحانه بنزاده | همسفر با مادر و دختری هستم که به عشق حسین^(ع) هر سال این مسیر را می‌پیمایند تا دفتر خاطراتشان گرد فراموشی نگردد. به قول خودشان اربعین و تکرار هر ساله‌اش حکایت دیگری است. به نظرشان سفر اربعین سخت است. اما می‌روند که تجربه کنند.**

* برایشان قصه می‌گفتم *

حکیمه میرزایی، مربی رواق کودک حرم امام رضا^(ع) و کوثر جلالی نیا دختر ۱۰ ساله اوست و از پنج سالگی در کنار مادرش مسیر اربعین را پیموده است. مادر کوثر از اولین سفر اربعینش می‌گوید: سال ۱۳۹۷ هفت ماهه باردار بودم و کوثر پنج ساله بود که به سفر اربعین رفتیم.

۱۰ روز در کاظمین بودیم در آن سفر ما به حرم می‌رفتیم، بچه‌ها را دور هم جمع می‌کردیم و برایشان قصه می‌گفتم. قبل از نمازها مهرها را با کوثر می‌چیدیم و بعد از آن جمع می‌کردیم. مادرهایی که می‌خواستند نماز بخوانند بچه‌های کوچکشان را نگه می‌داشتیم و یاد ختم برایشان قصه می‌گفتم. در آن سفر با اینکه باردار بودم، اما انرژی عجیبی داشتم. بعد از آن هر سال اربعین کربلایم رویم و خودمان را خادم امام حسین^(ع) می‌دانیم. حالا دخترهای دیگرش چهار و شش ساله شده‌اند و به قول خودش تجربه هر سفرش یادگیری فرق داشته است.

* هوای خواهرهایش را دارد *

از سختی‌های مادر بودن در سفرش که می‌پرسم با خنده می‌گوید: سختی‌هایش هم شیرین است. کوثر هوای خواهرهایش را دارد. همدلی بینمان زیاد است. از گرمای هوا که می‌پرسم سری تکان می‌دهد و می‌گوید: هر ساله اطرافیان می‌گویند امسال دیگر نروید هوا گرم است اذیت می‌شوید، می‌گویم سختی‌هایش شیرین است. ماهیج مسافرت دیگری نمی‌رویم. فقط منتظریم اربعین شود تا به این سفر برویم. بچه‌ها هم اشتیاق سفر را دارند. چند باری گم شدیم، تشنگی کشیدیم.

* کوله‌هایشان را از همین حالا بسته‌اند *

از تأثیر این سفرها روی رفتار فرزندانش می‌پرسم، می‌گوید: به نظر من فرزند من نسبت به همسالان خود قوی‌تر هستند. صبوری بیشتری دارند. یادم هست سال گذشته از بچه‌ها خواسته بودم فقط در وعده‌های غذایی چیزی بخورند تا بیمار نشوند. هر سه آن‌ها گوش کردند با وجود اینکه خوراکی‌های خوشمزه زیاد در راه بود، امانی خوردند. قطعاً خواب و خوراکشان مثل خانه نیست، ولی شرایط را کاملاً درک می‌کنند و هر سال اشتیاق رفتن را دارند، حتی امسال هم بچه‌ها کوله‌هایشان را از همین حالا بسته‌اند.

* انتظار برای دیدار *

کوثر تمام مدت در کنار مادر نشسته است و به دقت به حرف‌هایش گوش می‌کند. نوبت به او که می‌رسد، یک جوری دیگر با لحن کودکانه‌اش می‌گوید: قشنگ‌ترین سلام‌ها می‌خواهی بگم کدومه؟ سلامی از ته دل به امام سومینه... بعد از سفرهای اربعین با اشتیاق حرف می‌زند: از اینکه در کنار مامان و خواهرهایم از نزدیک می‌تونیم روبه‌روی گنبد امام حسین^(ع) بایستیم و سلام بدیم، خیلی حس خوبی داره. من هر سال منتظرم تا سال بعد دوباره به دیدار امام حسین^(ع) بریم. در مسیر پیاده روی خسته نمی‌شم انگار که دارم به سمت بهشت می‌رم، سال پیش سه روز تورا بودیم، اما خسته نشدم.

کوثر چون هوش کلامی بالایی دارد در روایتگری‌های حرم امام رضا^(ع) برای بچه‌ها برنامه اجرا می‌کند و در سایت کودکان رضوی در هر مناسبت برای اجرای نمایش و دکلمه از او دعوت می‌شود.

استفاده کنید، تا هنگام استفاده از سرویس‌های بهداشتی کثیف نشود.

همراه داشتن پنکه کوچک شارژی به دلیل ازدحام جمعیت در موبک‌ها بد نیست.

* تریچا کالسکه، ویلچر یا چمدان چهار چرخ

همراه داشته باشید. خانم‌هایی که میان سال

هستند سعی کنند کوله روی دوششان نیندازند،

زیرا در مسیر شانه‌هایشان خسته می‌شود.

* متأسفانه در این سفرها گاهی با تصاویری

مواجه شدم، که شرم‌نده می‌شوم. ریختن آشغال

توسط زائران که من بارها دوستانه تذکر داده‌ام، فراوان

دیدم که افراد هر چه می‌خورند، اضافه‌اش را همان

جای می‌گذارند. سعی کنیم کمتر بخوریم و اسراف نکنیم.

هشتاد کیلومتر سفره پهن است. هر موقع از روز احساس

گرسنگی کنیم، انواع خوراکی‌ها و نوشیدنی‌ها وجود دارد.

اما آیا کمی گرسنگی و تشنگی در این مسیر لازم نیست؟

